

اشاره- در جریان سالگرد حمله به خوابگاه دانشجویان دانشگاه تهران، یک خط پر قدرت در داخل کشور و از طریق روزنامه‌های نظیر "کیهان" و همچنین از سوی تلویزیون جمهوری اسلامی، در پی تشویق غیر مستقیم دانشجویان به تظاهرات خیابانی بود. معدود مطبوعات داخل کشور که از موج توقیف مطبوعات دوم خرداد جان بدر برده و یا به جای آنها به میدان آمده‌اند، کوشش بسیار کردند تا این توطئه را افشاء کرده و از یک شورش کور و جاده صاف کن عملیات نظامی-کودتائی توسط مخالفان جنبش جلوگیری کنند. دفتر تحکیم وحدت دانشجویی، در همین ارتباط چند جلسه برگزار کرد و سرانجام تاکتیک "گل و لیخند اصلاحات" را پیش گرفت. این سالگرد، آنگونه برگزار نشد، که توطئه‌گران در کمین آن بودند. در هفته‌های پیش از فرا رسیدن سالگرد حمله به خوابگاه کوی دانشگاه قسمتی از برنامه ۲ ساعته روزانه رادیو "ایران" که از امریکا پخش می‌شود و در ایران شنیده می‌شود به این سالگرد اختصاص یافته و سیاستی را تبلیغ می‌کرد، که همسوئی بسیار داشت با خواست مخالفان جنبش برای کشیده شدن جوانان به خیابان‌ها و سرکوب خونین، ایجاد رعب در جامعه و نظامی کردن اوضاع کشور. در همین ارتباط، "راه‌توده" اطلاعیه‌ای منتشر کرد و این تبلیغات رادیو "ایران" را همسو با اهداف مخالفان جنبش ارزیابی کرد. پس از صدور این اطلاعیه و پس از پشت سر ماندن سالگرد حمله به کوی دانشگاه، رادیو "ایران" پیرامون اطلاعیه "راه‌توده" خواهان گفتگویی با مسئولین نشریه راه‌توده شد. این گفتگو، پیرامون مفاد آن اطلاعیه انجام شد که آن را عیناً در زیر می‌خوانید:

گفتگوی رادیویی راه توده، پیرامون سیاست تشویقی - تهیجی رادیو ایران با هدف به خیابان گشادن جوانان!

گام‌های کوتاه کودتائی را به گام‌های بلند کودتا تبدیل نکنید!

هیچ کس نمی‌تواند اراده و آرزوی خویش را از خارج کشور به مردم در داخل کشور تحمیل کند!

خدابخشیان - اعلامیه‌ای که نشریه "راه‌توده" درباره نقش رادیوی ما در جریان سالگرد حمله به کوی دانشگاه منتشر کرد، باعث نگرانی ما شد. برآستی، آیا رادیوی ما نقش مخربی را بازی می‌کند؟ رادیو صدای ایران، رادیو بیست و چهار ساعته لس آنجلس، که در حقیقت یک خطی از این رادیو، خط خاتمی و خط اصلاحات را تقویت می‌کند. آیا ما خطای تاکتیکی می‌کنیم؟ یا نه، فقط داریم واقعیت‌های ایران را بازگو می‌کنیم. همکاران ما معتقدند که رادیوی ما پاسخگوی فاکس‌ها و در حقیقت بیانیه‌هایی است که از داخل ایران می‌رسد. به نظر شما آیا بیانیه شما یک مقدار تند نیست؟ راه‌توده: بله. اولاً این نکته را تصحیح بکنیم، که در آن اعلامیه بحث بر سر آن بخش از رادیوی شماسست که برای ایران برنامه پخش می‌کند و در ایران شنیده می‌شود و از این بخش هم آن قسمتی مورد نظر ماست، که در دوران اخیر و در ارتباط با سالگرد حمله به کوی دانشگاه یک سیاستی را دنبال می‌کند که سؤال برانگیز است. ما نسبت به این سیاست تبلیغاتی شما انتقاد داریم، والا رادیوی شما هم مانند بسیاری از رادیوهای فارسی زبان دیگر کارش را می‌کند، با هر کسی دلش بخواهد مصاحبه میکند، هر کس دلش بخواهد گوش می‌دهد یا نمی‌دهد، این به سیاست خود شما مربوط است. آنچه که مورد نظر ما بود و هست این بخشی است که در ایران شنیده میشود، ما راجع به این حرف داریم.

خدابخشیان - تایید می‌کنم حرف شما را، چون آن مطلب اطلاعیه شما در رابطه با همان چند روز است. اما اجازه بدهید یک پرسش بکنم: شما در این اطلاعیه، در حقیقت اشاره کرده‌اید که رادیوی لس آنجلس که برای ایران برنامه پخش می‌کند، خودش را با خواسته‌های جناح راست هماهنگ کرده‌است. در حالیکه این یک واقعیتی است که بسیاری از دوستانی که در همین بخش رادیویی همکاری می‌کنند معتقدند، ما داریم خط اصلاحات، خط خاتمی، خط اعتراضات مردمی را پخش می‌کنیم. راه‌توده: بنیید آقای خدابخشیان در اینکه در داخل کشور در همین جنبش دانشجویی و در میان جوانان کسانی هستند که دارای تمایلات تند هستند، یعنی کشتش به سمت مقابله، کشتش به سمت نشان دادن یک واکنش تند دارند، تردیدی وجود ندارد؛ این هست، منتهی بحث بر سر این است که ما وقتی می‌گوئیم از جنبش مردم حمایت می‌کنیم، از دوم خرداد حمایت می‌کنیم، از دولت آقای خاتمی حمایت می‌کنیم، باید این سیاست را در هماهنگی با رویدادها و واقعیات و امکانات داخل کشور پی بگیریم. یعنی در اتحاد با جنبش داخل کشور حرکت کنیم. هر کس مدعی همسوئی با جنبش مردم، اصلاحات و آقای خاتمی است، علی‌الاصول چنین سیاست و روشی را باید داشته باشد و انتقادها و ایرادهايش را هم در همین چارچوب مطرح کند.

یوآش یوآش به این فکر هم می‌تواند افتاده باشند، که اگر منابع اطلاعاتی جنبش مردم را با بستن مطبوعات دوم خرداد می‌محدود کنند و این مطبوعات در صحنه نباشند، مردم خواه و ناخواه گرایش پیدا می‌کنند به رادیوهای خارج از ایران. این اندیشه می‌تواند در میان آنها شکل گرفته باشد، حالا که مردم حرف ما را از طریق مطبوعات خودمان و رادیو و تلویزیون خودمان قبول ندارند، اگر یک رادیویی بعنوان اپوزیسیون در خارج از ایران همین حرف‌ها و همین سیاست را دارد و پیش می‌برد و صدایش هم در داخل کشور شنیده می‌شود، بگذار این سیاست را آن رادیو پیش ببرد و تلاش این چند روزنامه کم نفسی که از جمع روزنامه‌های طرفدار جنبش باقی مانده و با سیاست تنش‌آفرینی مخالفت می‌کنند را خنثی کند. این سیاست چیست؟ این سیاست یعنی اینکه عده‌ای سازمان نیافته، بی‌هدف و شتابزده بیایند در خیابان و حتی تحریک شوند که بیایند به خیابان، آنوقت عوامل خودشان بخشی از شهر و تاسیسات شهری را به آتش بکشند و حتی در میان مردم قرار بگیرند و کوکتل مولوتف دست ساز هم به سوی نیروهای انتظامی پرتاب کنند تا از آن طرف تیراندازی شروع شود. این نابرابری نیروها و نداشتن رهبری به خونریزی و نظامی شدن اوضاع ختم خواهد شد. این درست همان کاری است که در پایان تحصن دانشجویان در سال گذشته کردند و موفق نشدند تا آخر پیش بروند، در مشهد هنگام سفر خاتمی به این شهر کردند، در همین خرم آباد هم همین نقشه را پیاده کردند، اما موفق نشدند. سؤال ما اینست که این به خیابان آمدن اگر هم عملی شود، آیا واقعا در سطح یک جنبش توده‌ای وسیع خواهد بود؟ آیا امکان مقابله با آن نیست؟

ما هرگز نمی‌خواهیم این را بگوییم که در اجرا و پی‌گیری این سیاست یک هماهنگی سازمانی بین خارج و داخل کشور وجود دارد، بلکه می‌گوئیم استنباط می‌شود توطئه‌گران از این سیاست استفاده می‌کنند، زیرا این سیاست خودشان است که از زبان یک رادیوی خارج از کشور و با ادعای اپوزیسیون پخش می‌شود. واقعیت این است که در داخل کشور الان شنوندگان رادیو "بی. بی. سی" یا بقیه رادیوهای فارسی زبان زیاد شده‌است. خوب، جناح راست می‌بیند عین سیاست و هدف آنها از زبان اپوزیسیون و از طریق برخی از این رادیوها دنبال می‌شود. این بهترین حالت برای آنهاست و یکی از دستاوردهای بستن مطبوعات داخل کشور، رونق بخشیدن به همین رادیوها و پیش رفتن سیاست راست از طریق برخی از این رادیوهاست. یعنی سیاست مخالفان جنبش در داخل کشور حالا دو بلندگوی داخلی و خارجی پیدا کرده‌است!

استقبال و استفاده از بلندگوهای خارج کشور توسط جناح راست را شما می‌توانید در آن سوء استفاده تحریف آمیزی ببینید که روزنامه کیهان حسین شریعتمداری از سخنان آقای نگهدار و آقای کشتگر در مصاحبه با رادیو "آزادی" کرد و با عنوان بزرگ نوشت، که از خارج کشور شورش در داخل کشور تشویق می‌شود. در حالیکه همه می‌دانند این سیاست خود حسین شریعتمداری و ستادهای توطئه‌است که ایشان هم عضو آنست. خودشان زمینه‌های شورش را در خرم آباد سازمان دادند. آقایان در حالیکه از سیاست تشویق به شورش و تظاهرات خیابانی توسط برخی رادیوهای فارسی زبان خارج کشور استقبال می‌کنند، در عین حال تبلیغات داخلی خودشان را چنان تنظیم می‌کنند که وقتی مردم سر به عصیان برداشته را به گلوله بستند، بتوانند بنویسند و در نماز جمعه‌ها بگویند از خارج این شورش سازمان داده و یا تشویق شده بود. با همین هدف از میان سخنان فرخ نگهدار و علی کشتگر آن عنوان تحریک آمیز و تحریف شده را آقای شریعتمداری زینت بخش صفحه اول روزنامه کیهان خودش کرد و تلاش کردن زمینه دستگیری عده‌ای را بعنوان مارکسیست و طرفدار و مشوق شورش فراهم کنند. مثلا یک توطئه از خارج را سرکوب

حال بیایید نگاه کنید، ببینید تشکل‌های واقعی و موجود جنبش، رهبرانی که نام و افکارشان برای مردم آشناست و حتی طرفداران اصلاحات که در حاشیه حاکمیت و یا حتی خارج از حاکمیت، اما در داخل کشور قرار دارند و دارای گرایش‌های مختلفی هستند، آنها در جریان سالگرد حمله به کوی دانشگاه چنین سیاستی را که آن بخش رادیوی شما که صدایش در ایران شنیده می‌شود، پیش بردند و یا تأیید کردند؟ این یک سوال است که البته پاسخ دادن و یا ندادن به آن به مسئولین و گرانندگان رادیوی شما و یا همان بخش مربوط به ایران بر می‌گردد و ما نه می‌خواهیم و نه به خود اجازه می‌دهیم در مورد سیاست‌های گردانندگان رادیوی شما اظهار نظر کنیم، اما به خود حق می‌دهیم نظرم‌مان را در این رابطه‌ها بدهیم؛ حتی اگر گفتن این نظر منجر به آن شود که همین امکان کوچکی که رادیوی شما گهگاه در اختیار ما می‌گذارد تا نظراتمان را بگوئیم محدود و یا حتی قطع شود. شما حق دارید، کار یک رسانه رادیویی یا نوشتاری انعکاس اخبار و رویدادهایی است که در جامعه رخ می‌دهد، اما این وظیفه اطلاع رسانی جوانب مختلفی دارد. بیطرفی باید مراعات شود. وقتی کسانی از داخل کشور به رادیوی شما تلفن می‌کنند و رادیوی شما آن را پخش می‌کند آیا رادیوی شما تلاش می‌کند نقطه نظرات مقابل را هم جویا شده و در همین سطح پخش کند؟ مثلا مطلع شود و مردم را هم مطلع کند که در برابر آنها که از داخل کشور تلفن می‌کنند و مردم را به تظاهرات خیابانی فرا می‌خوانند، مثلا دفتر تحکیم وحدت دانشجویی چه می‌گوید یا رهبران آنها چه واکنشی دارند؟ استدلال‌های دو طرف پخش می‌شود؟ پاسخ به این سؤالات مشخص می‌کند، که این رسانه رادیویی و یا نوشتاری نقش روشنگر دارد و یا نقش تهییج‌کننده و تشویق‌کننده یک جریان و یک خط معین و یک روش اعتراضی؟ البته این شامل حال آن رسانه‌هایی می‌شود که حزبی، سازمانی و وابسته به جریان‌های سیاسی نیستند و تنها می‌خواهند منعکس‌کننده همه نظرات باشند. یعنی همان وظیفه و هدفی که شما در مورد رادیوی خودتان اظهار داشتید. حال، اما می‌پرسم این روش تشویقی برای اعتراض‌های خیابانی که رادیوی شما مشوق آن شد و هنوز هم ادامه می‌دهد، در داخل کشور با موافقت چه کسانی روبروست؟ درست است که کسانی از داخل کشور تلفن می‌زنند، ما نمی‌گوئیم مشوق و خط‌دهنده برخی کسانی که از ایران به شما تلفن می‌کنند ممکن است همان دست راستی‌های مخالف اصلاحات باشند و یک عده‌ای را بسیج کرده باشند که تلفن کنند و مردم را تشویق به ریختن توی خیابان‌ها بکنند. ما این را هم نمی‌خواهیم بگوییم و چنین ادعایی را هم نداریم، برای اینکه اطلاعی در این باره نداریم. اما می‌گوییم آیا سیاست نیروهای دست راستی و توطئه‌گر علیه جنبش مردم یک چنین سیاست آشوب برانگیزی نیست؟ آیا آنها در جریان رویدادهای خرم آباد دقیقا همین سیاست را پیش نبردند؟ تلاش آنها این نیست که شرایط را برای یک مقابله خونین با مردم فراهم کنند؟ اگر سیاست آنها اینست و ما هم در برابر آنها و در کنار جنبش مردم خودمان را احساس می‌کنیم، آیا نباید در برابر آن سیاست دست راستی‌ها قرار بگیریم؟ چرا باید در عمل به گونه‌ای رفتار و تبلیغات کنیم که تقویت‌کننده سیاست آنها باشد؟ در حالیکه باید کوشید آن سیاست را افشاء و خنثی کرد. با همین شناخت و احساس مسئولیت در برابر جنبش است که ما در آن اطلاعیه نوشتیم: نیروهای مخالف جنبش، سیاستی را که نمی‌توانند از زبان خود در جامعه پیش ببرند، می‌کوشند از زبان اپوزیسیون خارج از کشور پیش ببرند. شما خودتان خوب می‌دانید که الان هر چیزی که رادیو و تلویزیون ایران بگوید مردم قبول ندارند. هر چیزی که روزنامه‌های کیهان و جمهوری اسلامی و رسالت و قدس بنویسند مردم خلاف آن را قبول دارند. حال می‌توان تصور کرد، که آنها برای آنکه سیاست شورش سازی و نظامی کردن اوضاع را پیش ببرند

زمینه‌های کشف نشده یا گفته نشده حوادث را بازگو کنیم؟ یعنی می‌خواهیم آنچه را مطبوعات دوم خرداد در ابتدا می‌کردند و اکنون بسته شده‌اند و نمی‌کنند را با صراحت بیشتری دنبال کنیم؟

می‌خواهیم سیاستی را در این جهت و با این کیفیت پیش ببریم و یا اینکه دنبال حوادث راه افتاده ایم و فقط می‌خواهیم شورش درست شود، می‌خواهیم به خیابان‌ها بریزند. مثلا اراده ما در بیرون این باشد که مردم بیایند در خیابان‌ها تظاهرات کنند!

شما ببینید! این یک استدلال بسیار ساده‌ای است: در جاهای مختلف مطرح میشود که چرا مردم را به خیابان نمی‌آورند؟ سؤال ما اینست که مردم برای چه به خیابان بیایند. یعنی یک نیروی اپوزیسیون، یک نیروی متشکل داخل کشور، یک جریان سازمانده، مردم را برای چه بیرون می‌آورند؟ در زمان شاه، در سال ۵۶ یا ۵۷ مردم را می‌آوردند بیرون که به حکومت نشان بدهند این مردم، این جمعیت با این عظمت، نظام شاهنشاهی را نمی‌خواهند و می‌خواهند آنرا سرنگون سازند و یا هر چیز دیگری. به این دلیل مردم بیرون می‌آیند. این مربوط به آن دوران است. این دوره‌ای که اکنون راجع به آن صحبت می‌کنیم، چهار انتخابات در آن انجام شده‌است. مردم در هر انتخابات بیشتر از انتخابات قبلی عملا و کتبا رفته‌اند و نظرشان را در صندوق ریخته‌اند و حکومت دقیقا می‌داند که پایگاه ندارد. حتی خودشان می‌گویند که پایگاه ما بین ۱۵ تا ۲۰ درصد است. پس اگر بیرون آوردن مردم و یا بیرون آمدن مردم با هدف نشان دادن میزان ناراضی مردم از حکومت باشد، که این ناراضی کتبا در صندوق‌های رای ریخته شده و رئیس جمهور هم روی همین رای نشسته است. این یک برداشت از دعوت مردم، در لحظه کنونی و با توجه به شرایطی که در جامعه وجود دارد، برای آمدن به خیابان و تظاهرات است. حالا برویم به سراغ حالت دوم. در این حالت هم باید به خودمان صادقانه پاسخ بدهیم، که اگر هدف این است که، ای مردم! بیایید از خانه‌هایتان بیرون و بروید ارگان‌های حکومتی را بگیرید، یعنی قیام کنید! این، البته یک مسئله دیگری است، که باید با صراحت طرح شود تا با همین صراحت هم بتوان راجع به آن صحبت کرد و دید آیا چنین شرایطی اکنون در جامعه فراهم هست؟ آیا زمان چنین فراخوانی همین حالاست؟ آیا هیچ راه حل دیگری وجود ندارد؟ هیچ پتانسیل دیگری وجود ندارد؟ اگر وجود دارد، از این ظرفیت نباید استفاده کنیم؟ نباید فکر کنیم که هنوز مجلس هست، هنوز دولت هست، هنوز مطبوعات هست؟ آیا نباید نقائص کار این ارگان‌ها را صادقانه به اصلاح طلبان گفت و توصیه‌ها و نظرات انتقادی را مطرح کرد؟ آیا نباید تا آخرین لحظه از این امکانات و از این ارتباط قانونی طرفداران اصلاحات و طرفداران جنبش با مردم استفاده کرد؟ چرا ما نتوانیم این امکانات را درک کنیم؟ چرا ما درک نمی‌کنیم، که هنوز مردم می‌روند به آسانی، مثلا روزنامه حیات نو یا آفتاب امروز و هفته‌نامه‌ها و ماهنامه‌ها را می‌خرند و کسی هم نمی‌تواند آنها را به جرم خریدن و خواندن نشریات قانونی و علنی دستگیر کند و به او بگوید که چرا این روزنامه و یا این نشریه را خریده‌ای؟ آنها از همین وضعیت عصبانی‌اند و می‌خواهند هرچه زودتر چنان ورق را برگردانند که انتشار و خواندن همین مطالبی که امروز در همین مطبوعات منتشر می‌شود و احتمالا فردا به شکل زیراکس و شبنامه منتشر خواهد شد، جرم محسوب شود و مردم را بگیرند و رعب و وحشت در جامعه ایجاد کنند. اگر ورق برگردد و آنها میداندار مطلق شوند، اینها می‌شود مسائل غیر قانونی و آنوقت ارتباط جنبش با طرفداران جنبش قطع می‌شود. ما باید توجه کنیم که امروز مجلس در اختیار طرفداران جنبش و اصلاحات است؛ چرا باید تاکتیک عجولانه‌ای را اتخاذ کرد، که باعث شود شرایط بگونه‌ای عوض شود، که خواست مخالفان جنبش و تحولات است؟ شرایطی که نتوانند به بهانه آن مجلس را منحل کنند و در

کرده‌اند. این زمینه‌چینی‌ها و استفاده بردن‌ها از سیاست‌های غلط و پیشنهادهای نسنجیده و استفاده‌ای که از آن می‌شود، از نظر ما، یعنی توطئه. منظور ما این نیست که آن چه آقایان کشتگر و نگهدار مطرح کردند، توطئه بود، خیر! آن استفاده یا سوءاستفاده‌ای که حسین شریعتمداری و روزنامه کیهان در داخل کشور از این سخنان کردند، نامش توطئه است. بخش مربوط به ایران رادیوی شما هم متاسفانه، در جریان سالگرد حمله به کوی دانشگاه همین خط را تقویت کرد. شما حوادث خرم آباد را پیگیری کنید. همین مصاحبه‌ای که آقای "افشار" و دیگر رهبران دفتر تحکیم وحدت که در روزنامه "حیات نو" منتشر شد را اگر بخوانید، در آنجا دقیقا تشریح کردند که چگونه ستاد توطئه علیه جنبش مردم، افراد را سازمان دادند و برای شورش و به آتش کشیدن تاسیسات شهر به خرم‌آباد منتقل کردند. اسم اینها را گذاشته‌اند لباس شخصی‌ها. لباس شخصی کیست؟ اینها افراد واحدهای سپاه "نیروی ویژه پاسدار ولایت‌اند که رهبریشان با سردار غلامرضا نقدی است، یعنی همان فرمانده حفاظت اطلاعات و یا ضد اطلاعات نیروهای انتظامی. این نیرو به سبک گارد جاویدان شاهنشاهی تشکیل شده‌است و در شهرهای مختلف پایگاه دارد و در واحدهای مختلف نظامی افراد آن مستقرند. مشتی لش و اوباش هم زیر نظر آنها متشکل شده‌اند. برای شورش‌ها و به آتش کشیدن تاسیسات شهری و ادارات تعلیم دیده‌اند و اغلب از قم، اصفهان و تهران به نقاط مختلف کشور اعزام می‌شوند. مثلا در سرکوب تظاهرات مردم سمنان که برای دفاع از "اوجالان"، رهبر دستگیر شده کردهای ترکیه و با اجازه مقامات محلی تظاهرات کرده بودند، اینها را از واحد اصفهان به سمنان منتقل کرده بودند. درباره حوادث خرم آباد هم امروز روزنامه‌ها نوشتند که تعدادی از افرادی که برای برهم زدن تجمع دانشجویان دفتر تحکیم وحدت به خرم‌آباد منتقل شده بودند شناسایی شده‌اند. ما می‌گوییم آنها می‌خواهند هر چه زودتر کار را به یک برخورد نظامی بکشانند، چنین برخوردی را به سود خودشان می‌دانند چون احساس می‌کنند، علیرغم همه بگیروبندی که از مطبوعات کرده‌اند، زمان به زیان آنهاست. هر چه زمان می‌گذرد واریز در نیروهای آنطرف، یعنی در نیروهای راست بیشتر می‌شود. حتی در میان انصار حزب الله هم شکاف ایجاد شده‌است. همین کیانوش مظفری و فرهاد امیرابراهیمی از درون همین انصار بیرون زده‌اند و شبکه صدور فتوای قتل‌ها را فاش کرده‌اند. حتی گفته می‌شود، کسان دیگری هم از میان انصار حزب‌الله دست به افشاگری‌های کتبی و شبنامه‌ای زده‌اند. آنها شتاب دارند، زیرا اگر شش ماه دیگر آقای خاتمی یکبار دیگر و با آرائی بیشتر از انتخابات گذشته انتخاب شود، آنوقت مقابله با او و اصلاحات بسیار دشوارتر خواهد شد، زیرا مردم در آن صورت در انتخابات شرکت نکرده‌اند، بلکه در فرایند اصلاحات شرکت کرده‌اند. آنها امروز به نظامی کردن اوضاع ایران، به سرکوب خونین مردم و ترساندن مردم احتیاج دارند.

شما تصور کنید که با همه تبلیغاتی که برای تظاهرات خیابانی در سالگرد حمله به کوی دانشگاه شد و یا به مناسبت دیگر، سیصد نفر، هزار نفر، دو هزار نفر، اصلا فکر نکنید با این تشویقی که رادیوی شما کرد ده هزار نفر هم می‌آیند بیرون. یک حرکتی مثل میدان ژاله در زمان انقلاب یا چیزی وسیع‌تر از آن انجام می‌شد و بعد هم به بهانه آن پانصد، ششصد نفر را هم دستگیر می‌کردند. فضای موجود کشور به سود نظامی شدن عوض نمی‌شد؟

فرصتی برای رادیوی شما فراهم است برای پر کردن خلاء ناشی از بسته شدن مطبوعات و کمک به هدایت و آگاهی بخشی به جنبش. این کار در یک صورت ممکن است و آن اینکه ابتدا ببینیم ما چه می‌خواهیم با جنبش بکنیم؟ با حوادثی که اتفاق می‌افتد می‌خواهیم چه بکنیم؟ می‌خواهیم حوادث و رویدادها را توضیح بدهیم؟ می‌خواهیم

کشور نیست، تصور نکنیم این تلفن‌ها و تلفن‌کنندگان سخنگوی میلیون‌ها مردم ناراضی ایران هستند که می‌خواهند بریزند توی خیابان. آیا چنین شرایطی هست؟ که این میلیون‌ها نفر بریزند بیرون؟

خدابخشیان: شاید عده‌ای با خواندن اطلاعیه شما تصور کرده بودند شما جنگ سرد با ما را می‌خواهید راه بیاندازید!

راه‌توده: اصلا ما اهل این نوع جنگ‌ها چه سرد و چه گرم آن نیستیم و در اینجا هم صرفا خواستیم نظراتمان را توضیح بدهیم. دقیقا هم تاکید می‌کنم که مسئله ما اصلا این نیست که خط مشی برای رادیوی شما تعیین بکنیم یا اینکه آنرا خائن یا خادم بدانیم، اصلا بحث ما این حرف‌ها نیست. ما می‌گوییم نباید سیاستی را داشت که این سیاست در خدمت جناح راست و مخالف جنبش از آب در بیاید، این غلط است. رادیوی شما می‌توانست و هنوز هم می‌تواند نقش خوبی در جهت افشاگری و رشد جنبش و آگاهی آن ایفاء کند و جای خالی مطبوعاتی که بسته شدند را با ادامه سیاست همان نشریات اما دقیق‌تر و مستندتر و صریح‌تر دنبال کند. بنظر ما سیاستی که اکنون در این بخش رادیوی شما دنبال می‌شود، عملا در این دوران با استقبال جناح راست روبرو خواهد بود و آنها حتی تشویق می‌شوند که مطبوعات را بیشتر محدود کرده و جلوی انتشار دوباره مطبوعات توقیف شده را هم بگیرند تا اقشار متوسط اجتماعی که اتفاقا خوانندگان روزنامه‌ها هم بیشتر آنها هستند، شنونده این رادیو شوند. یعنی شنونده و از آن مهم‌تر، پذیرنده و قبول‌کننده سیاست کنونی این رادیو شوند که در واقع همان سیاست جناح راست برای ایجاد شورش کور، سرکوب آن و برداشتن گام بلند به طرف هدف نهایی و تکمیلی کودتاست! البته، بعد از برداشتن چنین گامی، رادیوی شما هم گرفتار محدودیت‌های پارازیت و ممنوع شدن مصاحبه با آن از داخل کشور خواهد شد و از این طریق نفس آن را خواهند گرفت. حتی من با شما شرط می‌بندم که اگر امروز سیاست خودش را این رادیو تغییر بدهد و مثلا همان خط مشی متین‌نشریاتی مثل "خرداد"، "صبح‌امروز"، "بهار"، "مشارکت" و "فتح" را که همگی بسته شدند، دنبال کند و با همان عمق و اندیشه در خدمت جنبش قرار بگیرد و تازه نقائص و محدودیت‌های اجتناب‌ناپذیر آنها را هم نداشته باشد، آنوقت خواهید دید که وزارت مخابرات و سیمای جمهوری اسلامی انواع پارازیت‌ها را روی طول موج این رادیو خواهند انداخت تا صدایش به کسی در داخل کشور نرسد. امروز استفاده‌شان را از این تبلیغات می‌کنند و سکوت می‌کنند، فردا این گشاده‌دستی و اغماض به ضد خودش تبدیل خواهد شد. واقعا چرا شما باید چنین امکاناتی را که برای ارتباط با مردم بدست آورده‌اید و وظیفه ملی هر کسی ایجاد می‌کند که چنین امکاناتی را در خدمت جنبش قرار دهد، از دست بدهید؟ ما امیدواریم این استدلال‌های ما، که در واقع توضیحات بیشتری بود در باره انگیزه اطلاعیه‌ای که منتشر کردیم، بجای هر نوع واکنش احساساتی از سوی همکاران و یا حتی شنوندگان شما، موجب بحث و کنکاش بیشتر پیرامون اوضاع بسیار خطیر امروز ایران شود. ما با کمال حسن نیت و با صداقت کامل این مطالبی که در این مصاحبه از زبان من مطرح شد را بارها در نشریه "راه‌توده" نیز منعکس کرده‌ایم.

سخن ما اینست؛ اطلاعیه ما هم در همین رابطه بود. نه جنگ سردی در میان است و نه جنگ گرم!

آن را ببینند؟ یا انحلال دولت را اعلام کنند و امکانات موجود از دست جنبش خارج شود!

خدابخشیان: راه‌توده همیشه نگران یک کودتا، حتی کودتایی به سبک ۲۸ مرداد در ایران امروز بوده‌است. آیا آنچه طی این سه سال شده، کودتا نبوده و یا شما نگران تکرار یک ۲۸ مرداد کامل و ضربه‌ای هستید؟

راه‌توده: ببینید آقای خدابخشیان! تکرار تاریخ به شیوه گذشته امکان ندارد. یعنی کودتای ۲۸ مرداد را نمی‌شود امروز در ایران عینا پیاده کرد، اما اهداف اصلی آن کودتا هر چه بود، می‌تواند در یک عملیات کودتایی در داخل کشور به اشکال دیگری دنبال شود و از خارج کشور هم حمایت و یا حتی هدایت بشود. این، بحث و نظر ما درباره کودتا در شرایط کنونی ایران است. یعنی، حالا نمی‌شود مثل سال ۳۲ مستقیما از امریکا بیایند، شوارتسکیفی مامور شود، خانم اشرف برود به تهران پیام کودتا برای برادرش ببرد و بقیه مسائلی که خودتان اطلاع دارید. قضیه اینطور نیست. زمان گذشته است و اوضاع تغییر کرده است. اما آن اهدافی که کودتای ۲۸ مرداد علیه آزادی‌ها، مطبوعات، مجلس و نمایندگان منتخب مردم، استقلال کشور، دفاع از منابع و منافع ملی و تشکیل یک دولت تسلیم‌برابر اراده امریکا و انگلیس داشت، جلوگیری از فعالیت احزاب سیاسی، دستگیری آزادیخواهان و مبارزان، زندان، تبعید و اعدام و خلاصه برگرداندن ورق دموکراسی، آن چیزی است که در ۲۸ مرداد اتفاق افتاد. اگر این مجموعه هدف کودتای ۲۸ مرداد بود، که بود، امروز هم جناح راست آن چه که می‌کند و همگی شاهدش هستیم، برای دستیابی به همین هدف است. آنها در این شش ماه اخیر، حتی پس از انتخابات مجلس با اراده بیشتری همین هدف را دنبال کرده‌اند، اما نتوانسته‌اند موفق شوند. یعنی کودتای گام به گام کرده‌اند، اما مثل بچه‌هائی که تازه راه‌یافتند "تاتی تاتی" کرده‌اند. خطر بزرگ اینست که بعد از این تاتی تاتی راه رفتن، دویدن را بیاموزند و به همان هدفی برسند که کودتای ۲۸ مرداد رسید. همه بحث ما این است که نگذاریم این "تاتی تاتی" کردن‌ها به دویدن آقایان بیانجامد. جلوی این گام‌ها را همین حالا باید گرفت. امروز وظیفه همه ما، همه طرفداران جنبش و همه مخالفان کودتا، همه حامیان دموکراسی و همه میهن‌دوستان واقعی اینست که راهکارهائی را بیابیم و در برابر مردم جنبش آنها و طرفداران تحولات و اصلاح طلبان بگذاریم، یعنی همه طرفداران جنبش به کمک هم باید ببینیم در چه شرایطی و لحظه‌ای قرار داریم و برای گشودن راه در مقابل جنبش مردم چه پیشنهادهای عملی و ابتکارهائی داریم. همه ابتکار این نیست که همین حالا و همین لحظه، بدون در نظر گرفتن شرایط مردم، آرایش نیروها، بسیج سازمانی جنبش از مردم بخواهیم بریزند توی خیابان. شاید در یک شرایط دیگری چنین کاری ضرورت داشته باشد و مردم هم به این نتیجه رسیده باشند، اما فعلا ما در باره شرایط کنونی صحبت می‌کنیم. در این شرایط، که هنوز امکانات دیگری برای پیش تازاندن جنبش وجود دارد، ما درست نیست که از مردم بخواهیم بریزند توی خیابان، چرا؟ چون ما در خارج از کشور چنین اراده کرده‌ایم و اینطوری دلمان می‌خواهد! بحث ما با آن بخش از برنامه‌های رادیوی شما که در ایران شنیده می‌شود دقیقا همین روش و همین نکته‌است، یعنی این رادیو بجای آنکه در تلاش یافتن راهبردهای مناسب با شرایط برای جنبش باشد، در پی تحقق اراده‌ایست که برای به خیابان کشاندن مردم دارد و این درست همان خواست مخالفان جنبش مردم در لحظه کنونی است، زیرا می‌دانند در چنین حالتی می‌توانند تظاهرات و یا خیزش‌های پراکنده، نا منظم و سازمان نیافته را به خون کشیده و گام‌های بلندتری برای رسیدن به اهداف کودتای ۲۸ مرداد بردارند. اگر شما ده تا بیست تا تلفن در روز داشتید این به معنای جو و خواست عمومی حاکم بر